

چادر؛ میراث تمدن اسلامی اندلس برای اروپای ۲۰۲۰

حضور ۸۰۰ ساله مسلمانان در اسپانیا، دستاوردهای فرهنگی فراوانی داشت که برخی از آن‌ها تا امروز ادامه پیدا کرده‌است

گروه تاریخ – پیش از آن‌که در سوال سال ۹۲ ه‍.ق، طارق بن زیاد، سردار مسلمان، از تنگه‌ای که بعدها به یاد او «جبل الطارق» نامیده‌شد، بگذرد و قدم به شبه جزیره ایبری بگذارد، اسپانیای امروزی در اختیار اقوام مهاجم «ویزیگوت» بود؛ اقوامی از نژاد ژرمن که با وحشیگری خاص خود، بر مر دره‌یگ امپراتوری روم غربی مسلط شده بودند. آن‌چه مسلمانان با آن روبه‌رو شدند، سرزمینی بود کران تا کران، ویرانی و تباهی. ورود مسلمانان به اسپانیا که از آن‌پس نام اندلس بر خود گرفت، دوره‌ی ایش دوباره این سرزمین بود. مسلمانان در عرض چهار سال، بخش اعظم شبه جزیره را گرفتند و توانستند تحت آموزه‌های درخشان اسلامی، تمدنی غنی و صاحب سبک را در آن حیطه جغرافیایی به وجودآورند. به این ترتیب، تمدنی زرین در غرب اروپا شکل گرفت که به مدت ۸۰۰ سال، یعنی تا ۱۴۹۲ میلادی که آخرین گروه از مسلمانان آن را ترک کردند، نگین گران‌بهای قاره سبز شمرده می‌شد.

■ **تولد یک تمدن**

اندلس از حدود سال ۱۳۸ ه‍.ق، از نظر حاکمیت، مستقلانه عمل می کرد و زیر نظر خلیفه عباسی بغداد نبود. همین امر باعث شد که رقابتی جدی در عرصه‌های علمی و عمرانی میان حاکمان مسلمان اندلس که از اوایل قرن دوم هجری رسماً خود را خلیفه می نامیدند، با بغداد و مناطق تحت سیطره عباسیان آغاز شود.

شهرهای بزرگ، یکی پس از دیگری بنا و با جذاب‌ترین شیوه‌های معماری آراسته شد؛ طلیطله (تولدو)، اشبیلیه (سویل)، غرناطه (گرانادا) و کادیز (قادص) از جمله این شهرهای خوش ساخت و نوین بودند. هنوز دیرزمانی از تکاپوی مسلمانان و رونق تمدن اسلامی در اندلس نمی‌گذشت که ستاره‌های دانش در جهان اسلام، از شبه جزیره ایبری درخشیدن گرفتند و جایی که در همسایگی اروپایی‌های درغلنیده به دوران سیاهی و تباهی قرون وسطی قرار داشت، میزبان امثال ابوالقاسم، خلف بن عباس الزهراوی، پزشک و جراح عالمی‌مقامی شد که شیوه‌ها و ابزارهایش در جراحی، همچنان مورد استفاده دنیای



پزشکی است. در پرتو امنیتی که مسلمانان پدید آورده بودند، پیروان دیگر مذهب نیز، شکوفایی علمی را تجربه کردند؛ ابن میمون اندلسی، فیلسوف یهودی این دوره است که آثارش شهرتی جهانی یافت.

■ **مدنیتی که آثارش پایدار شد**

رفتار توأم با مهربانی و احترام متقابل، خیلی زود باعث جذب مردمان آن خطه به اسلام و فرهنگ اسلامی شد. در واقع یکی از مهم‌ترین سرمایه‌هایی که مسلمانان به اندلس انتقال دادند، مدنیتی بود که در پرتو تعالیم اسلامی شکل گرفت و در سراسر جهان اسلام، آسیایش، ثروت، امنیت و پیشرفت را برای مسلمانان به ارمان آورد. برخلاف نگاه‌های غیرمنصفانه‌ای که نویسندگان و کارگردان‌های اروپایی و آمریکایی، در آثاری مانند «ال سید» از خود عرضه می کنند، مسلمانان رونق اقتصادی و فرهنگی را برای اندلس به ارمان آورند؛ روتقی که با بیرون رفتن آن‌ها از این سرزمین، رنگ باخت و تا امروز، دیگر تکرار نشده است. مسیحیان با وحشیگری تمام، از شمال شبه جزیره ایبری به سمت دولت‌شهرهای اسلامی که از قرن پنجم هجری قمری، به تدریج رنگ تجزیه طلبی و جدایی به خود گرفتند، هجوم آوردند و با سقوط شهر، پس از کشتاری وحشیانه، تمام صنعتگران و مردم غیرمسیحی را، به بیرون از اندلس راندند.

اسرار طلاق عاطفی انگلیس از رضاشاه!

بریتانیازخشم مردم علیه پهلوی اول برای پیشبرد

منافع سیاسی و نظامی خود بهره برداری کرد

■ **۱۶ بزی ساله در زمین انگلیس**

روابط بریتانیا با رضاشاه، طی دوران ۱۶ ساله سلطنت وی، در نهایت دوستی و همکاری دوطرفه قرار داشت. سازمان‌های اطلاعاتی انگلیس، نقش عمده‌ای در جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز پهلوی اول، در سطح بین المللی ایفا می کردند؛ ظاهرا یکی از همین همکاری‌ها بود که باعث به دام افتادن تیمورتاش شد و حکم مرگ وی را که قدرت‌ش باعث بیمناکی پهلوی اول شده بود، رقم زد. این بریتانیا بود که باعث گسترش روابط ایران و آلمان، با هدف جلوگیری از درافتادن ژرمن‌ها به ورطه کمونیسم شد؛ هر چند که محاسبات لندن نشانین در این زمینه، خیلی هم در ست از آب در نیامد. هنگامی که رضاشاه کارشناسان آلمانی را برای فعالیت در قسمت‌های عمرانی و مالی به کارگرفت، انگلیسی‌ها کاملاً بر تاسیسات نفتی ایران چنبر زده بودند و اصولاً از بابت این گسترش همکاری‌ها نگرانی نداشتند. آن‌ها بر تمایل یافتن پهلوی اول و پسرش به آلمانی‌ها، اشراف اطلاعاتی کامل داشتند. حسین فردوست در خاطراتش، از جاسوس بودن تمام خدمه کاخ ولیعهد و نفوذ اطلاعاتی سفارت بریتانیا در بار سخن گفته است و حتی سلیمان بهبودی، راننده و محرم اسرار رضاشاه را یکی از عوامل سفارت



آن لمیتون (راست) و بولارد (چپ) چرچیل را قانع کردند که باید رضاشاه را کنار بگذارد

معرفی می کند؛ ادعایی که اصلاً دور از ذهن نیست. بنابراین، انگلیسی‌ها کاملاً بر رضاشاه مسلط بودند و حتی زمانی که او فکر می کرد به آلمانی‌ها نزدیک شده است، مشغول بازی در زمین بریتانیایی‌ها بود؛ هر چند که به باور برخی از مورخان، رضاشاه دوست داشت در اواخر دوران حکومتش، خود را به نوعی از زیر سیطره انگلیسی‌ها بیرون بکشد و جای آن‌ها را، به ناری‌ها بدهد. بنابراین، با وجود همه چموشی‌ها، در سوم شهریور ۱۳۲۰ پهلوی اول هنوز هم برای انگلیسی‌هایک مهره سوخته به حساب نمی آمد.

■ **اسباب سوختن یک مَهره**

طبق گزارش محمود طلوعی از مکاتبات انگلیسی‌ها و روس‌هایس از سوم شهریور ۱۳۲۰، در جلد نخست کتاب «بازیگران عصر پهلوی»، متفقین حتی پس از ورود به خاک ایران و دست کم تا اواسط شهریور ماه، هنوز درباره بر کناری رضاشاه تصمیمی نگرفته بودند. این تصور اشتباه معمولاً در ذهن بسیاری از علاقه‌مندان به تاریخ نهادینه شده است که بلافاصله پس از ورود متفقین به ایران، در سوم شهریور ۱۳۲۰، رضاشاه حکومت را به پسرش واگذار کرد و از سلطنت برکنار شد؛ در حالی که ایداً چنین نیست. بریتانیا هنوز در بر کناری رضاشاه تردید داشت و شاید معتقد بود که می‌توان او را با همین وضعیت در ایران حفظ کرد. اما طی ده هفته بعد، بررسی وضعیت موجود و شرایطی که رضاشاه داشت، عملاً باعث طلاق عاطفی بریتانیایی‌ها از او شد. انگلیس و آمریکا به راه‌آهن ایران برای فرستادن مهمات به جبهه شوروی نیاز داشتند و این مسئله، در آن شرایط حاد و در حالی که آلمانی‌ها در نزدیکی قفقاز ارد زده بودند، جنبه حیاتی پیدا کرده بود. یک نگرانی عمده انگلیسی‌ها، واکنشی بود که امکان داشت مردم ایران از خود نشان بدهند؛ بنابراین کسب اعتبار نزد آن‌ها می‌توانست در تثبیت مأموریت پُل پروزه که قرار بود هیتلر را در جبهه شرقی به زانو در آورد، مؤثر باشد. این مسئله، البته در کنار بدبینی‌های ایجاد شده نسبت به پهلوی اول و فرزندش، به دلیل علاقه



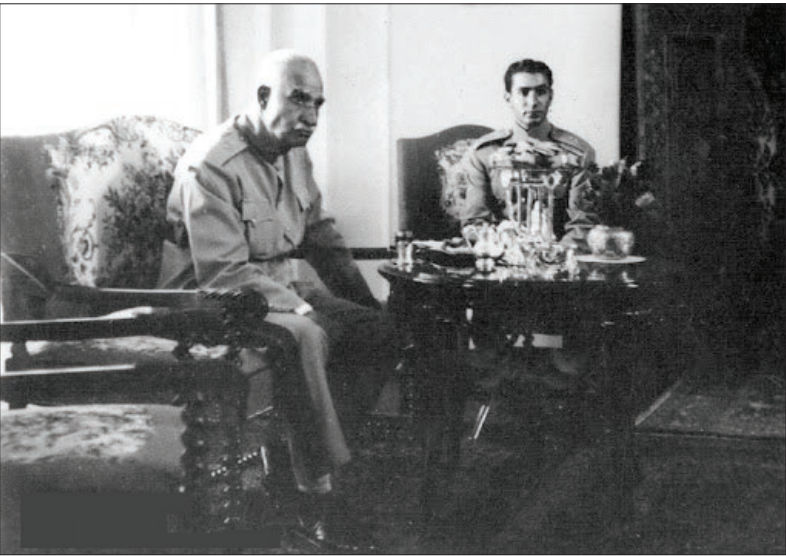
■ **ریشه‌هایی که نابود نشد**

مامعولاً عادت کرده‌ایم که وقتی از جنگ صلیبی سخن به میان می‌آید، روایت تاریخی هجوم صلیبی‌ها به فلسطین را به یاد می‌آوریم؛ این فکر اشتباه نیست، اما نباید از یاد برد که جنگ صلیبی در آن سوی مدیترانه هم جریان داشت؛ در واقع اندلس اسلامی، آمّاج حملات مسیحیان افراطی بود که در چارچوب همان منطق صلیبیون عمل می کردند؛ تا سال ۱۴۹۲، مسلمانان به طور کامل از شبه جزیره ایبری رانده شدند و شهرهای آباد آن‌ها به دست افراطیونی افتاد که نشانی از مدنیت در فکر و اندیشه خود نداشتند. با این حال، فرهنگی که یادگار دوره اسلامی بود، بر در و دیوار شهرها و حتی رفتارهای اجتماعی ساکنان بومی اندلس باقی ماند. اروپایی‌ها، بدون تعارف، اصلاً نمی‌توانستند تجربه معماری درخشان مسلمانان را تکرار کنند؛ تمدن اسلامی، همچنان نقشی بی‌بدیل در فرهنگ اسپانیا داشت و راهبان دستگاه پاپ، با همه تلاش و تفتیش عقاید، نمی‌توانستند آن‌را از ضمیر و فکر مسیحیان اندلس پاک کنند؛ یادگارهایی که تا قرن‌ها باقی ماند و حتی به صورت یک سنت محکم، در اندیشه و فکر برخی اسپانیایی‌های ریشه دار شد؛ در قادص، جایی در جنوب شبه جزیره ایبری و محلی که امروزه ایالت خودمختار اندلس خوانده می‌شود، فرقه‌ای از مسیحیان کاتولیک در آداب لباس پوشیدن خود، از مسلمانان تبعیت کردند و این پیروی تا امروز باقی مانده و باعث شگفتی



قصر الحمراء، یکی از شاهکارهای معماری اسلامی در اندلس – گرانادا (غرناطه)

گردشگرانی است که از این شهر بازدید می کنند. قاصد دیروز و کادیز امروز، شاهد حجاب متفاوت بانوان مسیحی است؛ حجابی که اصولاً ریشه اسلامی دارد و نمی‌توان برای آن نظیری در جهان مسیحیت یافت؛ چادرهایی از جنس مخمل که در زبان محلی «سایای مانتو» نامیده می‌شود. در این نوع پوشش، البته زنان طوری چادر می‌پوشند که تنه‌ایک چشمشان پیدا است. در دوران حکومت دیکتاتوری فرانکو، سال ۱۹۳۶ میلادی، دولت اسپانیا استفاده از این چادر را ممنوع کرد، اما آن‌ها در دهه‌های بعد توانستند مجوز استفاده



پیدا کردن به آلمان نازی، تقویت می‌شد. متفقین باید در ایران، نقش یک ناچ را بازی می کردند؛ نظامیانی که آمده‌اند تا مردم ایران را از دست دشمنی مهیب و دهشتناک نجات دهند و چله دشمنی وحشتناک‌تر از مردی که ۱۶ سال آزارگار آن‌ها را در بدترین شکل خفقان و استبداد نگه داشته‌بود؟

■ **بهتر است با افکار عمومی همراه شویم**

ریدر بولارد، سفیر انگلیس در تهران، روز ۱۲ شهریور سال ۱۳۲۰، روز بعد از ورود متفقین به ایران، در تلگرافی محرمانه به وزیر خارجه کشور متبوع خود، علناً به تشریح این وضعیت پرداخت و پیشنهادی را مطرح کرد که بسیار مهم بود: «شاه بار دیگر در تمام امور مداخله می کند، وزرا را تنک می زند و به همان اعمال احمقانه و وحشیانه گذشته خود ادامه می دهد. یکی از مقامات دولتی محرمانه به من گفت که شاه مقابل تحمل شده و خود نخست‌وزیر (منظور محمدعلی فروغی است) هم که با حال بیماری قبول مسئولیت کرده، دیگر نمی‌تواند شاه را تحمل کند. وقت آن رسیده است که ما هم در این مورد با افکار عمومی همراه شویم، زیرا در غیر این صورت، پیشرفت مقاصد ما با مشکلاتی مواجه خواهد شد. «نکنه جالب این‌جا بود که وینستون چرچیل، نخست‌وزیر انگلیس در تلگرافی محرمانه به بولارد، در همان روز ۱۲ شهریور، اطلاع داده بود: «در حال حاضر ما مخالفتی با شاه نداریم، ولی اگر شرایط مطلوبی به وجود نیاید، ناچاریم در مقابل سوء رفتار او، عکس‌العمل مناسبی نشان دهیم.» در واقع

تاریخ



مناسبت

پیامدهای هجوم عوامل رژیم پهلوی به حرم رضوی

با فرا رسیدن سال ۱۳۵۷ و آغاز روند انقلاب اسلامی، شرایط در شهر مشهد هم دگرگون شد؛ رویدادهای تابستان، به‌ویژه تظاهرات گسترده مردم، در خلال تشییع پیکر مرحوم شیخ احمد کافی، واعظ شهر، روند مبارزات انقلابیون را در مشهد، تسریع کرد. در واقع آن‌ها از مناسبتی برای نشان دادن خشم و انزجار خود نسبت به رژیم پهلوی استفاده می کردند. پس از واقعه ۱۷ شهریور در میدان شهدای تهران، شتاب مضاعفی در فعالیت‌های طرفداران نهضت اسلامی در مشهد ایجاد شد. این بار، اصناف و گروه‌های مختلف با انسجام بیشتری به اقدامات خود سازمان دادند؛ دلیل اصلی این رویکرد، مدیریت جریان انقلاب مشهد به وسیله مثلث هبری انقلابیون این شهر، یعنی آیت‌ا... خامنه‌ای، آیت‌ا... واعظ طبسی و شهید هاشمی نژاد بود. به این ترتیب، از اواسط مهر ماه سال ۱۳۵۷، مشهد تقریباً به صورت روزانه شاهد فعالیت‌های اعتراضی مردم شد. روز ۲۹ آبان ماه، گروه کثیری از مردم مشهد، پس از راهپیمایی در خیابان‌های اطراف حرم رضوی، وارد صحن سقاخانه شدند و به سردادن شعار علیه اقدامات رژیم پهلوی پرداختند. در این بین حضور مأموران ساواک در میان مردم رفتارهای تحریک‌آمیز آن‌ها، التهاب را بیشتر کرد. متعاقب این اقدام، نیروهای نظامی حریم حرم امام هشتم (ع) را شکستند و با ورود به آن، مردم را در صحن سقاخانه به گلوله بستند. تعداد شهدای این اقدام وحشیانه رژیم پهلوی را، ۱۱ نفر ذکر کرده‌اند. جز این، جمع زیادی از مردم حاضر در این تجمع، زخمی یا بازداشت شدند. اقدام ددمنشانه رژیم پهلوی در شستن حرم حرم رضوی، با واکنش‌های گسترده علما و مردم روبه‌رو شد. آیت‌ا... شیرازی، از مراجع تقلید مشهد، روز ۳۰ آبان را عزاً و تعظیل عمومی اعلام کرد. این رویداد، نقش مهمی در اوج گرفتن انقلاب در شهر مشهد داشت و بر پی‌ان وقایعی مانند تحصن بیمارستان امام رضا (ع) و حوادث ۱۰ دی ماه به وقوع پیوست و کار رژیم شاه را در مشهد یکسره کرد.



مکان های تاریخی

برج رسکت
یادبود شهاب سنگ شروین



در روستای رسکت، در بخش دودانگه شهرستان ساری، برجی اسرارآمیز وجود دارد که مدفن یکی از حکمرانان قدیمی طبرستان است. برج رسکت در قرن پنجم هجری بنا شده، اما بسیاری اعتقاد دارند که پیش از آن هم، به دلیل سقوط یک شهاب سنگ بزرگ در نزدیکی محل احداث آن، بنای یادبودی در مکان فعلی برج وجود داشت. این شهاب سنگ در سال ۲۳۱ خورشیدی، یعنی دقیقاً ۱۱۶۸ سال قبل در این منطقه سقوط کرد و از آن‌جا که مکان آن در حیطه قلمرو و قدرت اسپهبد شروین از آل باوند بود، آن را شهاب سنگ شروین نامیدند. سال ها بعد، وقتی یکی از حکمرانان این طایفه در گذشت، او را در مکان سقوط شهاب سنگ دفن کردند. در واقع برج رسکت، بنایی دومنظوره است؛ هم آرامگاه و هم نشانه‌ای از مکان سقوط شهاب سنگ. برج ۱۸ متر ارتفاع دارد و محیط آن در قاعده، تقریباً ۱۵ متر است.

آگهی مزایده عمومی
<p>نماینده‌گی بنیاد تعاون تاجا در امور امور (نومسه راهگشا) در نظر دارد بوقه مواد غذایی خود در مرکز تعویض پلاک شماره ۲ مشهد (شرق) را از طریق مزایده عمومی به مدت یک سال واگذار نماید. متقاضیان می توانند به منظور دریافت اسناد شرکت در مزایده از تاریخ درج آگهی و پیشنهاد قیمت تا ساعت ۱۴ مورخ ۹۹/۹/۹۹ به نشانی بلوار ساجدی نبش ساجدی ۲- مرکز تعویض پلاک اداری پشتیبانی مراجعه و یا جهت کسب اطلاعات بیشتر با تلفن ۲۸۶-۳۷۶۷۰ داخلی ۳۴۴ تماس حاصل نمایند</p> <p><i>رئیس شمه راهگشا استان خراسان رضوی</i>، ۹۹-۶۴۳۳۳/۹۹</p>

شرکت فرآورده های سیمان شرق (سهامی عام)
به شناسه ملی ۰۷۸-۲۶۰۰۸۶۰۸ و شماره ثبت ۲۸۴۸۳
شرکت فرآورده های سیمان شرق در نظر دارد یکسری اقالیم بلا استفاده و ضایعاتی خود را از طریق مزایده عمومی به فروش برساند. متقاضیان محترم می توانند جهت ارائه پیشنهاد خود و شرکت در مزایده از تاریخ چاپ آگهی به مدت یک هفته در ساعات اداری به آدرس کیلومتر ۳٫۵ جاده مشهد به قوچان قبل از شرکت البسکومراجمعه نمایند.
۱- یکدستگاه وانت پیکان مدل ۱۳۸۷
۲-روغن های سوخته ماشین آلات سنگین
۳- ضایعات فلزی
هیات مدیره شرکت فرآورده های سیمان شرقی

۱۳۹۹/۱۰/۱۵